

قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری ایران

(دوره ۱۳۳۶-۱۳۵۳)

شیرکو بهادری، شرکت ملی نفت ایران، SherkoBahadori@gmail.com

چکیده

در این مطالعه قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری^۱ ایران در دوره سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۳ مورد بررسی قرار گرفته است. در این دوره شرکت ملی نفت ایران با استناد به قانون نفت مصوب سال ۱۳۳۶، جهت افزایش درآمد دولت، کنترل و نظارت بیشتر بر عملیات نفتی و ایجاد انگیزه جهت کشف نفت در حداقل زمان ممکن، این مدل قراردادی را جهت اکتشاف و توسعه در نواحی خارج از قرارداد کنسرسیوم به اجرا گذاشت. نواحی اعطا شده طبق این مدل قراردادی بیشتر شامل نواحی فلات قاره می‌باشد و از مهمترین میادین کشف شده در این دوره می‌توان به میادین فروزان، درود، سروش، نوروز، ابودر، سلمان، رسالت و رشادت اشاره کرد.

کلمات کلیدی: قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری، پاداش امضا، پاداش تولید

مقدمه

قراردادهای امتیازی^۲، مدل غالب بر صنعت نفت خاورمیانه طی سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۷۲ بوده است. این نوع قرارداد، مدلی بین صاحب زمین^۳ (کشور میزبان) و یک شخص یا شرکت (صاحب امتیاز^۴) می‌باشد که بر اساس آن صاحب امتیاز حقاکتشاف نفت در حوزه اعطا شده را بدست می‌آورد. برخی از این قراردادها به صورت خودبخود حق توسعه، تولید و بازاریابی نفت کشف شده را به صاحب امتیاز می‌دهند. در دیگر قراردادهای امتیازی در صورت کشف نفت، صاحب امتیاز ملزم به مذاکره جهت انعقاد یک قرارداد جدید بر اساس مفاد قرارداد اولیه می‌باشد.

^۱ قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری (Joint Venture) ممکن است در قالب هر یک از قراردادهای نفتی رایج بین کشور میزبان و شرکت بین‌المللی نفتی منعقد گردد. مثلاً ممکن است که دو طرف سرمایه‌گذاری را با شرایط مشخصی به صورت مشترک در قالب قراردادهای امتیازی انجام دهند.
^۲ در این مطالعه منظور از قراردادهای امتیازی، قراردادهای امتیازی سنتی می‌باشد. چون قراردادهای امتیازی مدرن با خصوصیات و ویژگی‌های متفاوت از قراردادهای امتیازی سنتی هم‌اکنون در سطح دنیا رایج می‌باشد.

^۳ Landlord

^۴ Concessionaire

ویژگی‌های اصلی و مشترک قراردادهای امتیازی، مدت زمان و محدوده زیاد قرارداد، وجود رژیم‌های مالی به نفع صاحب امتیاز و آزادی در مدیریت عملیات توسط صاحب امتیاز بود. لذا با افزایش دانش و آگاهی کشورهای میزبان در مورد صنعت نفت، این کشورها در پی ایجاد تغییراتی در قراردادهای خود بودند که ضعف‌های فوق را نداشته باشد. در نتیجه از اواخر دهه ۱۹۵۰ قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری به عنوان مدل غالب قراردادهای نفتی در خاورمیانه مطرح شدند و ایران از اولین کشورهایی بود (همراه با مصر) که در سال ۱۹۵۷ میلادی اولین قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری را با شرکت نفتی انی^۵ امضا کرد.

طبق قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری، ریسک مرحله اکتشاف به صورت کامل بر عهده شرکت بین‌المللی نفتی می‌باشد و در صورت عدم اکتشاف نفت، قرارداد بدون هیچ بازپرداختی از طرف دولت میزبان خاتمه می‌یابد. طبق این مدل قراردادی، در صورت اکتشاف نفت تجاری معمولاً یک شرکت مستقل توسط طرفین تأسیس می‌گردد که وظیفه راهبری عملیات نفتی را بر عهده خواهد داشت.

در این مطالعه ابتدا به بررسی تاریخی قراردادهای منعقد شده مشارکت در سرمایه‌گذاری ایران خواهیم پرداخت و سپس جنبه‌های مختلف این قراردادها را با توجه به وضعیت و اقتضات زمانی آن دوره بررسی می‌شود.

توسعه شرکت ملی نفت ایران (۱۳۲۹-۱۳۳۶)

در ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۲۹ نفت ایران و به تبع آن شرکت نفت ایران و انگلیس (APOC) ملی اعلام شد. جهت مدیریت عملیات نفتی، دولت ایران شرکت ملی نفت ایران (NIOC) را تأسیس نمود، اگرچه طبق قانون اجازه تأسیس چنین سازمانی از سال ۱۹۲۶ طبق بند (ب) ماده واحده "تصمیم قانونی دائر به بی اثر بودن موافقت نامه مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ راجع به ایجاد شرکت مختلط ایران و شوروی" داده شده بود.^۶ در سال ۱۳۳۳ منازعه بین دولت ایران و انگلیس رفته رفته حل شد و شرکت ملی نفت ایران مالک همه تأسیسات تولیدی، پالایشی و جانبی شد که تا قبل از ملی شدن در مالکیت شرکت نفت ایران و انگلیس قرار داشت. قراردادی تحت عنوان "قرارداد فروش نفت و گاز و طرز اداره عملیات آن" با کنسرسیومی از هشت شرکت بین‌المللی نفتی بسته شد.^۷ طبق این قرارداد از طرف اعضای کنسرسیوم دو شرکت عامل با نام‌های "شرکت

^۵Ente Nazionale Idrocarburi (ENI)

^۶ بند (ب): "دولت باید موجبات تفحص فنی و علمی را به منظور اکتشاف معادن نفت فراهم آورد و ظرف مدت پنج سال نقشه‌های کامل فنی و عملی مناطق نفت‌خیز کشور را ترسیم و تهیه نماید تا مجلس شورای ملی به استحضار و اطلاع کامل از وجود نفت به مقدار کافی بتواند ترتیب بهره‌برداری بازرگانی از این ثروت ملی را به وسیله تصویب قوانین لازم تعیین کند."

^۷ اعضای کنسرسیوم عبارت بودند از: شرکت نفت ایران و انگلیس (سپس British Petroleum) با ۴۰٪ سهم، رویال داچ شل با ۱۴٪ سهم، شرکت نفت فرانسه با ۶٪ سهم و شرکت‌های امریکایی گلف اوپل، استاندارد اوپل آف کالیفرنیا (سپس شورون)، استاندارد اوپل آف نیوجرسی (سپس اکسون و بعداً اکسون موبیل)، استاندارد اوپل کمپانی آف نیویورک (سپس موبیل و بعداً اکسون موبیل) و تگزاکو هرکدام با ۸٪ سهم.

اکتشاف و تولید" و "شرکت تصفیه" بر طبق قوانین کشور هلند تأسیس و در ایران به ثبت رسید. این دو شرکت (که در مجموع به آنها کنسرسیون گفته می‌شد) عهده‌دار راهبری عملیات نفتی از طرف شرکت ملی نفت ایران بودند.

شرکت ملی نفت ایران مالک نفت تولیدی بود، اما بایستی آن را به شرکت‌های تجاری تأسیس شده بوسیله هر یک از اعضای کنسرسیون، می‌فروخت. همچنین NIOC می‌توانست دو نفر از هفت نفر اعضای هیئت مدیره هر یک از دو شرکت را تعیین نماید. در واقع این قرارداد به شرکت ملی نفت ایران صرفاً قدرت کنترل اسمی و نه واقعی می‌داد.

خارج از محدوده یکصد هزار مایل مربعی اعطا شده به کنسرسیون، شرکت ملی نفت ایران می‌توانست عملیات مورد نظر خود را انجام دهد و یا راهبری آن را به دیگری تفویض نماید. در سال ۱۳۳۳، شرکت ملی نفت ایران صرفاً کنترل تولید میدان نفت‌شاه (بعداً نفت‌شهر) و پالایشگاه کوچک نفتی کرمانشاه را در اختیار داشت. اما واقعیت مهم آن بود که پتانسیل و چهارچوب نهادی لازم برای رسیدن به آرمان‌ها و آرزوهای نفتی، در ایران ایجاد شده بود.

اهداف شرکت ملی نفت ایران بعد از سال ۱۳۳۳ بیشتر دارای دو بعد بود. اولاً این شرکت مایل بود که مشارکت بیشتری در توسعه نفت ایران داشته باشد که در واقع هدف اصلی ملی کردن صنعت نفت در ایران بود، ولی رسیدن به این هدف علی‌رغم شدت مطرح شده در زمان ملی شدن، به صورت تدریجی امکان‌پذیر بود. ثانیاً ایران را در زمینه علم، تکنولوژی و تجهیزات صنعت نفت خودکفا کند تا تجربه تلخ دوره بعد از ملی شدن دوباره اتفاق نیفتد. لذا طرح‌هایی توسط شرکت ملی نفت جهت توسعه پالایشگاه‌ها، انتقال نفت و غیره برنامه‌ریزی شد تا خدماتی را که در دوره ملی کردن وجود نداشت تأمین کند.

در سال ۱۳۲۹ شرکت ملی نفت شروع به کار اکتشافی بوسیله شرکت‌های سوئیسی و امریکایی کرد که در سال ۱۳۲۵ منجر به کشف نفت در قم گردید ولی میزان نفت میدان به اندازه قابل توجه در مقایسه با میادین نفت موجود نبود. لذا ایران با مشکل هزینه‌های سنگین و ریسک اکتشاف مواجه گردید که بایستی توسط دولت تأمین می‌شد. همین مسأله ادامه انجام عملیات اکتشاف را خارج از محدوده یکصد هزار مایل مربعی قرارداد کنسرسیون (که تقریباً شامل پانصد هزار مایل مربع بود) مشکل می‌ساخت.

طبیعتاً اکتشاف در این محدوده وسیع نه تنها نیازمند هزینه زیادی بود، بلکه همانند تجربه ناموفق کشف نفت تجاری در قم، دارای ریسک بالایی نیز بود. این مسئله همزمان با دوره‌ای بود که ایران می‌بایست غرامت‌های ناشی از ملی شدن و لطمات مالی ناشی از عدم فروش نفت در دوره (۱۳۲۹-۱۳۳۳) را نیز جبران می‌کرد. وجود همه این مسائل این نکته را به خوبی روشن می‌ساخت که موفقیت ایران در این حوزه تنها زمانی ممکن است که سرمایه‌گذاری خارجی در این حوزه انجام گیرد. اما انجام سرمایه‌گذاری خارجی در قالب قراردادهای امتیازی

گذشته، با توجه به مسائل روانی جامعه و وضعیت سیاسی کشور بعد از سال ۱۳۲۹، اصلاً امکان‌پذیر نبود. در سال ۱۳۳۶ قانون نفت بستر قانونی لازم را برای شرکت ملی نفت ایران جهت عقد یک نمونه قرارداد جدید فراهم آورد.

در "قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره" مصوب ۲۰ تیر ماه ۱۳۳۶، وظیفه شرکت ملی نفت ایران به صورت گسترده جهت تفحص، اکتشاف و استخراج نفت افزایش پیدا کرد. جهت نیل به این اهداف، وظایف این شرکت بر اساس قانون گسترده‌تر شد به طوری که این شرکت اختیار اعطای محدوده خاصی (خارج از محدوده قرارداد کنسرسیوم) را جهت اکتشاف و توسعه به "سازمان مشترک"^۸ و یا "دستگاه مختلط"^۹ داشت. نواحی خارج از محدوده کنسرسیوم به بخش‌هایی با حداکثر ۸۰ هزار کیلومتر مربع جهت انجام عملیات اکتشاف در آن تقسیم‌بندی می‌شد. جهت انجام سرمایه‌گذاری خارجی بایستی "سازمان مشترک" و یا "دستگاه مختلطی" از ترکیب شرکت ملی نفت ایران و شرکت بین‌المللی نفتی تشکیل می‌شد که حداقل ۳۰٪ از سهام آن در مالکیت شرکت ملی نفت ایران باشد. جهت اجتناب از "انحصار" هیچ سازمان مشترک و یا دستگاه مختلطی حق نداشت بیش از ۱۶ هزار کیلومتر مربع همزمان در یک بخش در اختیار داشته باشد. از این محدوده، نصف آن ظرف مدت ده سال باید مسترد می‌شد، همچنین طرف قرارداد ملزم به حفر حداقل یک چاه تا پایان سال چهارم در ناحیه واگذاری بود. طبق بند (۲) این قانون، قراردادهای بایستی پس از تنظیم و امضاء، به هیأت وزیران ارسال و در صورت تأیید برای تصویب به مجلس فرستاده می‌شد. لذا قرارداد پس از تصویب مجلس قابل اجرا بود.

قرارداد ۱۳۳۶ با آجیپ^{۱۰}

بلافاصله پس از تصویب قانون نفت سال ۱۳۳۶، اولین سازمان مشترک با طرفیت شرکت نفتی آجیپ شکل گرفت و اولین قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری ایران با یک شرکت بین‌المللی نفتی به امضا رسید.^{۱۱} بدون شک انریکو مائتی^{۱۲}، مدیر عامل شرکت انی تلاش زیادی جهت عقد این قرارداد انجام داد.^{۱۳} طبق این قرارداد حق اکتشاف در محدوده‌ای نزدیک به ۲۳۰۰۰ کیلومتر مربع واقع در بخش شمالی خلیج فارس (۵۵۰۰ کیلومتر مربع)، شرق کوه‌های زاگرس (۱۱۳۰۰ کیلومتر مربع) و منطقه ساحلی دریای عمان (۶۰۰۰ کیلومتر مربع) به گونه‌ای به این شرکت داده شد که ۲۵٪ از این ناحیه بعد از سال پنجم و ۲۵٪ دیگر بعد از سال نهم به ایران مسترد گردد. بعد از

^۸ طبق قانون سازمان مشترک هر موسسه‌ای است که قسمتی از آن متعلق به یک شخص و قسمت دیگر آن متعلق به شرکت ملی نفت ایران باشد.

^۹ طبق قانون دستگاه مختلط هر دستگاه عاملیتی است که شرکت ملی نفت ایران از یک طرف و یک یا چند شخص از طرف دیگر تماماً ایجاد نموده باشند بدون اینکه در اثر این اختلاط شخصیت حقوقی جداگانه‌ای به وجود آید.

^{۱۰} AGIP

^{۱۱} این قرارداد در ۱۲ مرداد ۱۳۳۶ به امضای مجلس شورای ملی رسید.

^{۱۲} Enrico Mattei

^{۱۳} از جمله این تلاش‌ها، انجام هماهنگی جهت سفر رئیس جمهور ایتالیا (Giovanni Gronchi) به ایران و ملاقات وی با شاه ایران بود.

سال دوازدهم همه نواحی باقیمانده (غیر از ناحیه تولیدی) بایستی به ایران مسترد می‌شد. در طول ۱۲ سال پروانه اکتشاف، این شرکت می‌بایست حداقل ۲۲ میلیون دلار جهت انجام عملیات اکتشاف هزینه کند که ۶ میلیون دلار آن بایستی در چهار سال اول قرارداد انجام می‌گرفت. در صورتی عدم کشف نفت، مسئولیت همه هزینه‌ها با شرکت آجیپ بود اما با کشف نفت تجاری، شرکت ملی نفت ایران به همراه آجیپ، سازمان مشترکی به نام سیرپ^{۱۴} با نسبت سهام برابر (۵۰-۵۰) را تأسیس می‌کردند. سیرپ دارای عمر ۲۵ ساله بود که طبق قرارداد برای ۳ دوره ۵ ساله عمر آن قابل تمدید بود. سیرپ حق انحصاری در استفاده از درآمدهای استحصال را داشت، بعلاوه این شرکت می‌توانست نیازمندی‌های مالی خود را از بازارهای مالی دنیا تأمین کند. البته طبق توافق در صورت وضعیت مالی نامناسب این شرکت، دو طرف بایستی کمک‌های لازم را به آن می‌کردند.

اعلام جزئیات قرارداد واکنش شدید شرکت‌های بین‌المللی نفتی موسوم به هفت خواهران^{۱۵} را برانگیخت. حتی اعلام شد که اعضای قرارداد کنسرسیوم، به انی پیشنهاد مشارکت در کنسرسیوم را در ازای لغو قرارداد با ایران داده‌اند. همچنین شایعه شد که وزارت خارجه آمریکا، ایتالیا را جهت لغو آن تحت فشار گذاشته است (که فوراً این شایعه از طرف وزارت خارجه ایتالیا تکذیب شد) و حتی شایعه تهدید ایران از طرف CIA آمریکا نیز وجود داشت (MEES, 1957).

روشن شدن دلایل وجود این همه مخالفت و واکنش شدید به این قرارداد سخت می‌باشد. در حالی که تنها شش ماه قبل از این قرارداد، آجیپ قرارداد مشابهی در مصر امضا کرده بود که اصلاً چنین واکنش شدیدی را از طرف شرکت‌های بین‌المللی نفتی در بر نداشت. در این زمینه به دو دلیل می‌توان اشاره کرد. اول اینکه مصر از دید هفت خواهران نفتی یک منطقه نسبتاً آزاد بود در حالی که ایران، به همراه دیگر کشورهای عمده تولید کننده نفت، از نواحی و قلمرو آنها به حساب می‌آمد. لذا این قرارداد نوعی پیروزی انرژی‌ماتتی بر هفت خواهران نفتی و نفوذ در قلمرو آنها محسوب می‌شد. ثانیاً دلیل مهم‌تر از جریحه‌دار شدن غول‌های نفتی، آن بود که این عقد این قرارداد جدید نوعی تهدید برای قراردادهای امتیازی آنها نه حتی در ایران بلکه در حوزه خلیج فارس به شمار می‌رفت. اتفاقات در خاورمیانه به شکلی بود که قراردادهای یک کشور به شدت متأثر از قراردادهای قبل از خود در آن منطقه بود و اگر مدل جدیدی از قرارداد که منافع بیشتر کشور تولید کننده را تأمین می‌کرد در یک کشور منعقد می‌شد، بلافاصله دیگر کشورها از این مدل قراردادی دنباله‌روی می‌کردند. عقد قراردادهای ۵۰-۵۰ (تقسیم سود به طور مساوی بین طرفین) در عربستان سعودی در سال ۱۹۵۰ بدنبال تهدید ملک عبدالعزیز به ملی کردن شرکت نفتی آرامکو، مثال خوبی در این زمینه است. بدنبال عقد این مدل قراردادی بقیه کشورها نیز در این حوزه، قراردادهای خود را به صورت ۵۰/۵۰ تغییر دادند (Citino, 2002).

¹⁴ Societe Iran-Italienne de Petroles (SIRIP)

¹⁵ هفت خواهران نفتی شامل اعضای قرارداد کنسرسیوم به غیر از شرکت نفت فرانسه بود که اسم این شرکت‌ها در پانویس صفحه دو آمده است.

قرارداد جدید ایران با آجیپ در مقایسه با قراردادهای قبلی دو تفاوت عمده داشت. اول اینکه این مدل قراردادی به کشور میزبان حق نظارت و کنترل برابر، در عملیات را می‌داد و ثانیاً اینکه دارای یک مدل جدید تقسیم سود بر پایه ۷۵-۲۵ به نفع کشور میزبان بود. علیرغم وجود همه واکنش‌ها در زمان امضای قرارداد، نتایج قرارداد خیلی چشم‌گیر نبود و منجر به کشف میادین خیلی بزرگ نگردید. تنها چند میدان نسبتاً کوچک کشف گردید که مهمترین آن‌ها میادین بهرگانسر و نوروز بودند.

قرارداد ۱۳۳۷ با شرکت‌های پان امریکن آمریکا^{۱۶} و سافایر^{۱۷} کانادا

بدنبال عقد اولین قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری، دومین قرارداد نیز در ۱۰ خرداد ۱۳۳۷ با شرکت پان امریکن شعبه استاندارد اوایل ایندیانا منعقد گردید. طبق این قرارداد این شرکت حق اکتشاف در محدوده ۱۶۰۰۰ کیلومتر مربعی را بدست آورد که کلاً در منطقه فلات قاره قرار داشت. شیوه استرداد مشابه قرارداد قبلی بود اما در این قرارداد شرکت امریکایی متعهد گردید حداقل ۸۲ میلیون دلار کارهای اکتشافی در محدوده قرارداد انجام دهد. بنا به قرارداد، در صورت کشف نفت تجاری شرکتی با نام ایپاک^{۱۸} تأسیس می‌شد که اکثر خصوصیات آن مشابه با سیرپ بود. مالکیت این شرکت به صورت ۵۰-۵۰ بود و نفت تولیدی بر اساس سهم هر یک (۵۰-۵۰) بین طرفین تقسیم می‌شد اما در صورتی که طرف ایرانی نفت کمتری برمی‌داشت، ایپاک بایستی به نیابت از شرکت ملی نفت ایران آن را به فروش می‌رساند. در کل بندهای قراردادی در این قرارداد (نسبت به قرارداد پیشین) بیشتر به نفع شرکت ملی نفت ایران بود. به عنوان مثال اولویت حمل نفت خام با نفتکش‌هایی با پرچم دولت ایران بود و همچنین جریمه‌های سنگینی در صورت عدم انجام تعهدات اکتشاف و حفاری وضع شده بود.

در سال ۱۳۴۰ میدان دریائی داریوش (درود فعلی) و یک سال بعد از آن میدان سیروس (سروش فعلی) کشف گردید. سپس میادین فریدون (فروزان فعلی) و اردشیر (ابوذر) نیز به این مجموعه اضافه گردید. در واقع ایپاک بزرگترین تولید کننده نفت از قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری ایران بود.

کمی پس از قرارداد ایپاک، قرارداد جدیدی با شرکت نفتی سافایر^{۱۹} کانادا منعقد شد. این قرارداد مشابه با قرارداد ایپاک بود بجز اینکه محدوده این قرارداد ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع شامل خشکی و فلات قاره بود. سافایر بایستی ۱۸ میلیون دلار جهت انجام کارهای اکتشافی در عرض

¹⁶ Pan American

¹⁷ Sapphire Petroleum Company of Canada

¹⁸ Iran-Pan American Oil Company (IPAC)

¹⁹ Sapphire

۱۲ سال هزینه می‌کرد و اولین چاه خود را در عرض دو سال اول قرارداد حفر می‌نمود در غیر اینصورت بایستی ۳۵۰ هزار دلار جریمه پرداخت می‌کرد. اهمیت این قرارداد از این منظر بود که تعهد حداقل کار اکتشافی قابل اجرا و دریافت بود. در مرداد ماه ۱۳۳۸ اعلام شد که شرکت ملی نفت ایران ۱۳۰۰۰۰ پوند وثیقه این شرکت در بانک ایرانی را توقیف کرده است چون شرکت ملی نفت ایران مدعی بود که این شرکت صرفاً ۱۶۰۰۰ پوند جهت انجام کارهای اکتشافی در سال اول قرارداد هزینه کرده است. سپس با بدتر شدن روابط بین دو طرف، سافایر در سال ۱۳۴۰ پس از پرداخت غرامت بابت عدم انجام حداقل تعهدات، مجبور به خروج از قرارداد شد (MEES, Vol.III).

قراردادهای سال ۱۳۴۴

به دلیل وجود اختلافات مرزی در خلیج فارس فیما بین ایران، عربستان سعودی و کویت در بازه سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ بلوک جدید توسط ایران عرضه نشد. با حل این اختلافات، بلوک‌های جدیدی در سال ۱۳۴۲ به مناقصه گذاشته شد که منجر به عقد شش قرارداد جدید در سال ۱۳۴۴ گردید. اصول همه این قراردادها مشابه بودند. استرداد نواحی اکتشافی به این صورت بود که ۲۵٪ محدوده قرارداد بعد از ۵ سال، ۲۵٪ دیگر بعد از ده سال و همه محدوده قرارداد(بجز ناحیه تولیدی) بعد از ۱۲ سال مسترد می‌گردید، لذا سرعت استرداد در این قراردادها کمی کمتر از قراردادهای قبلی بود. به محض کشف نفت تجاری، طرفین قرارداد ملزم به تأسیس شرکتی صرفاً عملیاتی به مدت ۲۵ سال جهت برداشت نفت بودند. برای اولین بار بهره مالکانه^{۲۰} ۱۲.۵٪ بر اساس قیمت‌های اعلان شده^{۲۱} نفت خام اعمال گردید. هر دو طرف قرارداد نیز ملزم به پرداخت مالیات ۵۰٪ از سهم خود از تولید بر اساس قیمت‌های اعلان شده بودند. نوآوری اصلی در این قراردادها اعمال سیاست بیع متقابل بود. بر اساس این قراردادها اگر شرکت ملی نفت ایران مایل به دریافت کل سهم نفت خود نبود، طرف خارجی ملزم به خرید آن به قیمت میانه^{۲۲} بود(قانون راجع به اجازه مبادله و اجرای پنج فقره قرارداد نفت مصوب ۱۳۴۳/۱۱/۲۴ مجلس شورای ملی). به عنوان مثال اگر هزینه تولید نفت خام برابر با ۱ دلار و قیمت‌های اعلان شده برابر با ۶ دلار به ازای هر بشکه بود، طرف خارجی ملزم به خرید سهم ایران با قیمت میانه معادل ۳.۵ دلار می‌شد.

جزئیات قراردادها به شکل ذیل بود. به شرکت نفتی شل^{۲۳} بلوکی به مساحت ۶۰۳۶ کیلومتر مربع در ازای ۲۹ میلیون دلار پاداش امضا^{۲۴} و ۲۸ میلیون دلار پاداش تولید^{۲۵} اعطا شد. یک گروه

²⁰ Royalty

²¹ Posted Price

²² Halfway Price : این قیمت میانه برابر نصف مجموع هزینه تولید(که طبق مقررات مالیاتی بتوان آنرا جزء هزینه تولید به حساب آورد) و قیمت‌های اعلان شده می‌باشد.

²³ Shell

²⁴ Signature Bonus

فرانسوی ۵۷۵۹ کیلومتر مربع را در ازای ۲۷ میلیون دلار پاداش امضا و ۲ میلیون دلار پاداش تولید بدست آوردند. گروه پالایش آتلانتیک^{۲۶} موفق به گرفتن ۸۰۰۰ کیلومتر مربع در ازای ۲۵ میلیون دلار پاداش امضا و ۶ میلیون دلار پاداش تولید شد. گروه تاید واتر^{۲۷} ۲۲۵۰ کیلومتر مربع را در ازای ۴۰ میلیون دلار پاداش امضا و بدون هیچ پاداش تولیدی کسب کرد. یک گروه آلمانی نیز در قبال ۵ میلیون دلار پاداش امضا و ۵ میلیون دلار پاداش تولید، امتیاز ۵۰۰۰ کیلومتر مربع را بدست آورد. و در نهایت مجموعه‌ای شامل آجیپ، فیلیپس و دولت هندوستان ۷۹۶۰ کیلومتر مربع را در ازای ۳۴ میلیون دلار پاداش امضا و ۱۰ میلیون دلار پاداش تولید کسب کردند. در مجموع هر شش گروه تعهد حداقل ۱۶۴ میلیون دلار کار اکتشافی را ظرف ۱۲ سال پذیرفتند.

اگرچه پاداش‌ها کلاً توسط تولیدات آینده قابل بازپرداخت به طرف قرارداد بود، اما نباید از اهمیت آن‌ها چشم‌پوشی کرد. در مجموع کل این قراردادهای درآمد دولت را ۱۹۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۴ افزایش داد. همچنین با توجه به اینکه احتمالاً همه قراردادهای منجر به کشف تجاری نمی‌گشت، بخشی از این پاداش‌های امضا به صورت درآمدهای بادآورده برای دولت ایران محسوب می‌شد چون در صورت عدم کشف نفت تجاری، این پاداش‌ها قابل بازپرداخت نبود.

از مجموع شش قرارداد تنها دو قرارداد منجر به کشف نفت تجاری و تشکیل شرکت مشترک شد. گروه آتلانتیک بعد از کشف میدان ساسان (سلمان کنونی) با شرکت ملی نفت ایران شرکت لاپکو^{۲۸} را تشکیل داد. آجیپ، فیلیپس و دولت هند با کشف میدان رستم (رسالت فعلی)، با شرکت ملی نفت ایران شرکت ایمینوکو^{۲۹} را تأسیس کردند که بعداً میدان رخس (رشادت فعلی) نیز در این بلوک کشف گردید.

قراردادهای سال ۱۳۵۰

در سال ۱۳۵۰ سه قرارداد دیگر نیز منعقد گردید که بندهای آن نسبت به قراردادهای قبلی برای دولت ایران بهبود یافته بود. دوره اکتشاف به شش سال کاهش یافته بود به طوری که ۲۵٪ ناحیه قرارداد بایستی در سه سال اول، ۲۵٪ دیگر بعد از پنج سال از زمان عقد قرارداد و کل ناحیه (بجز ناحیه تولیدی) در پایان سال ششم بایستی به دولت ایران مسترد می‌گردید. شرکت‌های مشترکی که تأسیس می‌شدند دارای عمر ۲۰ ساله با امکان تمدید دو دوره ۵ ساله بودند. مهمترین ویژگی قراردادهای سال ۱۳۵۰ معرفی مالیات بر اساس الگوی ایک (OPEC) بود. بهره

پاداش امضا عبارت است از مبلغی که شرکت بین المللی نفتی هنگام امضای قرارداد ملزم به پرداخت آن به دولت میزبان می باشد و در صورتی که کشف تجاری بر اساس قرارداد صورت پذیرد، دولت میزبان صرفاً اصل این مبلغ را (بدون محاسبه هیچ گونه بهره) در قالب هزینه های تولید به شرکت بین المللی نفتی بازپرداخت می کند. پدیدهی است در صورتیکه که قرارداد به کشف تجاری منتج نشود، این مبلغ قابل بازپرداخت نخواهد بود.

²⁵ Production Bonus

²⁶ Atlantic Refining Group

²⁷ Tidewater Group

²⁸ Lavan Petroleum Company

²⁹ Iranian Marine International Oil Company (IMINOCO)

مالکانه بر اساس فرمول اپک برابر با ۱۲.۵٪ قیمت اعلان شده بود اما زمانی که سهم تولید تجمعی شرکت خارجی به ۵ میلیون بشکه می‌رسید، بهره مالکانه به ۱۴٪ افزایش پیدا می‌کرد. در صورت افزایش سهم تولید تجمعی شرکت خارجی به ۷۵ میلیون بشکه، بهره مالکانه به ۱۶٪ می‌رسید.

جزئیات این سه قرارداد به شرح زیر است. یک گروه ژاپنی در قبال ۸۰۰۰ کیلومتر مربع ملزم به پرداخت ۳۵ میلیون دلار پاداش امضا و ۱۰ میلیون دلار پاداش تولید بود و تعهد کرده بود که حداقل ۲۵ میلیون دلار در طول شش سال جهت انجام کار اکتشافی هزینه کند. به امرادا هس^{۳۰} ۳۱۰۰ کیلومتر مربع در ازای ۵ میلیون دلار پاداش امضا و ۶ میلیون دلار پاداش تولید اعطا شد، همچنین این شرکت متعهد شد ۲۲ میلیون دلار در طول دوره اکتشاف هزینه کند. و در نهایت به شرکت موبیل^{۳۱} با پرداخت ۲ میلیون دلار پاداش امضا و تقبل ۱۰ میلیون دلار پاداش تولید و انجام حداقل ۱۱ میلیون دلار کار اکتشافی در طول شش سال، محدوده‌ای ۳۵۰۰ کیلومتر مربعی داده شد.

بعد از عقد این سه قرارداد، عمر قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری در ایران با تصویب قانون جدید نفت در سال ۱۳۵۳ به پایان رسید و قراردادهای جدید به صورت خدماتی با شرکت‌های خارجی بسته شد.

تحلیل قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری منعقد شده در بخش اکتشاف

هدف از عقد قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری، در دو بخش اکتشاف و تولید قابل بررسی است. در رابطه با بخش اکتشاف، با توجه به هزینه‌های کلان کارهای اکتشافی و وجود ریسک بالا در این بخش، این ریسک عملاً به شرکت بین‌المللی نفتی منتقل شده است. در واقع هزینه‌های اکتشاف فقط در صورت کشف میدان تجاری قابل بازگشت به طرف خارجی می‌باشد و تأسیس شرکت مشترک منوط به کشف نفت تجاری است. اهمیت این مسئله از آن منظر بیشتر می‌شود که دولت ایران در آن مقطع از طرفی بعد از ملی شدن نفت و عدم خرید آن توسط شرکت‌های بزرگ نفتی (در بازه سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲) در مضیقه مالی قرار داشت و از طرف دیگر با توجه به تحولات سیاسی و فضای جامعه عملاً عقد قراردادهای امتیازی سابق امکان‌پذیر نبود.

همچنین وجود پاداش‌های امضا، محرکی برای سرعت بخشیدن به کارهای اکتشافی توسط طرف قرارداد است. با توجه به اینکه در قراردادهای فوق، پاداش امضا در صورت کشف نفت تجاری از محل نفت تولیدی به طرف خارجی قابل پرداخت بود، لذا همین مسأله باعث ایجاد انگیزه جهت کشف نفت در حداقل زمان می‌شد. از طرف دیگر پاداش‌های امضا به عنوان یک

³⁰ Amerada Hess

³¹ Mobil

منبع و وام بدون بهره برای دولتی که در مضیقه مالی قرار داشت تلقی می‌گردید. البته بدیهی است که در صورت عدم کشف نفت تجاری این مبلغ قابل بازپرداخت نبود.

علاوه بر پاداش امضا، الزام استرداد ناحیه قرارداد نیز، شرکت خارجی را ملزم به تسریع در انجام عملیات اکتشافی می‌کرد، همچنین بر اساس قراردادهای منعقد شده فوق طرف قرارداد ملزم به انجام حداقل هزینه و عملیات اکتشافی بود و در غیر این صورت بایستی جریمه آنرا می‌پرداخت.

نکته آخر در این زمینه، اجتناب از انحصار است. با توجه به قانون مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت مصوب سال ۱۳۳۶، هیچ سازمان مشترک و یا دستگاه مختلطی حق نداشت بیش از ۱۶ هزار کیلومتر مربع را به صورت همزمان در یک بخش در اختیار داشته باشد و همین مسئله باعث ایجاد رقابت بین شرکت‌های بین‌المللی می‌شد در نتیجه با افزایش رقابت بین شرکت‌های بیشتر در یک حوزه، منافع دولت افزایش می‌یافت.

تحلیل قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری منعقد در بخش تولید

قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری در بخش تولید باید جوابگوی دو مسأله اساسی می‌بودند. اول اینکه چه مقدار نفت تولید شود و دوماً این نفت تولیدی چگونه به فروش برسد.^{۳۲} میزان نفت خام تولیدی در این قراردادها توسط هیئت مدیره شرکت مشترک و با توجه به مسائل فنی و سودآوری شرکت بود ولی یکی از مشکلات میزان تولید نفت خام در این قراردادها آن بود که دولت‌های میزبان عمدتاً به میزان کمتر از سهم نفت تولیدی خود مصرف داشتند (در نتیجه با مشکل فروش نفت مواجه بودند). لذا باید مکانیسمی در قراردادهای فوق طراحی می‌گردید که طرف خارجی را ملزم به خرید نفت مازاد شرکت ملی نفت ایران با قیمت منطقی می‌کرد. جهت حل این مسئله قیمت میانه در این قراردادها مطرح گردید که برابر نصف مجموع هزینه تولید و قیمت‌های اعلان شده بود. طرف خارجی طبق قرارداد ملزم بود سهم نفت شرکت ملی نفت ایران را با این قیمت میانه خریداری نماید.

نتیجه‌گیری

از دلایل ظهور قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری بعد از ملی شدن صنعت نفت در ایران می‌توان به عدم رضایت دولت از قراردادهای امتیازی سنتی اشاره کرد. این نارضایتی‌ها عمدتاً به خاطر درآمد کم دولت، مدت زمان و محدوده زیاد قرارداد، عدم استرداد محدوده امتیاز و عدم کنترل دولت بر عملیات نفتی بود.

^{۳۲} لازم به ذکر است که فروش نفت خام در آن مقطع یکی از چالش‌های شرکت‌های ملی نفت بود، زیرا عمده مصرف‌کننده‌های نفتی شرکت‌های هفت خواهران بودند که نفت مصرفی خود را عمدتاً از میادین و حوزه‌هایی که خود امتیاز آنرا داشتند تأمین می‌کردند.

همچنین دولت نیاز به ذخایر ارزی، نیروی کار ماهر، تکنولوژی و دسترسی به بازار نفت را احساس می‌کرد. همه این فاکتورها در اختیار شرکت‌های بزرگ نفتی بود ولی آن‌ها نیاز به مجوز و قرارداد داشتند تا بتوانند از امکانات خود بهره بگیرند. اما فضای حاکم بر داخل کشور دیگر اجازه عقد قراردادهای سنتی را به دولت نمی‌داد. همچنین قراردادهای سنتی کارایی لازم جهت تأمین خواسته‌های دولت را نداشتند در نتیجه بهترین راه حل از دید شرکت ملی نفت ایران بکارگیری قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری بود.

منابع و مراجع

- [۱] تصمیم قانونی دائر بر بی اثر بودن موافقت نامه مورخ ۱۵ فروردین ۲۵ راجع به ایجاد شرکت مختلط ایران و شوروی، مصوب ۱۳۲۶/۷/۳۰
- [۲] قانون اجازه مبادله قرارداد نفت با شرکت کنتینانتال، مصوب ۱۳۴۸/۷/۲
- [۳] قانون اجازه مبادله و اجرای سه فقره قرارداد نفت، مصوب ۱۳۵۰/۱۰/۶
- [۴] قانون راجع به اجازه مبادله قرارداد فروش نفت و گاز و طرز اداره عملیات آن، مصوب ۱۳۳۳/۷/۲۹
- [۵] قانون راجع به اجازه مبادله و اجرای پنج فقره قرارداد نفت، مصوب ۱۳۴۳/۱۱/۲۴
- [۶] قانون مربوط به موافقتنامه تفحص و اکتشاف و استخراج و بهره برداری نفت بین شرکت نفت ایران و شرکت ایتالیایی آجیپ مینراریا، مصوب ۱۳۳۶/۵/۲۴
- [۷] قانون مربوط به موافقتنامه تفحص و اکتشاف و بهره برداری و فروش نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت سهامی پان آمریکن پترولیوم کورپوریشن، مصوب ۱۳۳۷/۲/۱۸

[8] Middle East Economic Survey, Middle East Petroleum and Economic Publication, 4a, 1957

[9] Middle East Economic Survey, Middle East Petroleum and Economic Publication, Vol. III, 1961

[10] Cinito Nathan J., From Arab Nationalism to Organization of Petroleum Exporting Countries, Indiana University Press, 2002

[11] Stevens Paul J., Joint Ventures in Middle East, Middle East Economic Consultants (Beirut), 1976